

مطالعه ساختار و مدخل‌های رساله‌های ترکی خط و خطاطان نوشته میرزا حبیب اصفهانی (حبیب افندی)

مهدی قربانی^{**}، طاهر رضازاده سراسکانرود

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۰ (صفحه ۸۳-۱۰۲)

چکیده: خط و خطاطان رساله‌ای است از آثار میرزا حبیب اصفهانی مشهور به حبیب افندی - ادیب ایرانی و روشنفکر تجددطلب دوره قاجار - که آن را به زبان ترکی عثمانی نوشته و به سلطان عبدالحمید دوم عثمانی تقدیم کرده است. این رساله شامل شرح مختصری درباره تاریخ هنر خوشنویسی از صدر اسلام و گسترش آن، شجره‌نامه استاد و شاگردی و سلسله خوشنویسان، معرفی مکاتب خوشنویسی در دوره‌های گوناگون، طبقه‌بندی خطاطان در دوره‌های زمانی و جغرافیایی در انواع خطوط به انضمام شرح مختصری از حیات و آثار آنان است. علاوه بر خوشنویسان، در بخش آخر رساله، هنرمندان مشهور رشته‌های کتاب‌آرایی در ایران و عثمانی تا زمان معاصر نویسنده معرفی شده‌اند. نویسنده در تألیف و تدوین این رساله به تذکره‌های پیشین توجه داشته و بنای کار او بر اساس فشرده‌سازی و چکیده اطلاعات این منابع بوده است.

— دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (mehdiqorbani@yahoo.com)
— استادیار گروه هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Tahirrizazadeh@gmail.com)

هدف این مقاله، معرفی رساله‌ خط و خطاطان و بررسی و مطالعه ساختار و ماهیت آن است؛ چراکه این اثر به سبب ملیت ایرانی نویسنده و نیز پرداختن به شرح حال بسیاری از خوشنویسان ایرانی - که بخش عمده‌ای از کتاب را در بر می‌گیرد - به‌عنوان اثر پژوهشی مهم و میراث مشترک ایران و عثمانی شایسته توجه است که متأسفانه تاکنون به آن پرداخته نشده است.

کلیدواژه‌ها: خوشنویسی، عثمانی، حبیب افندی، خط و خطاطان.

۱ مقدمه

موضوع این مقاله، معرفی رساله‌ خط و خطاطان^۱ و بررسی روابط بینامتنی در ساختار آن است. این رساله که توسط میرزا حبیب اصفهانی درباره هنر خوشنویسی و تاریخچه آن نوشته شده و طبقات مختلف خطاطان را از صدر اسلام تا روزگار خویش به اختصار معرفی کرده، یکی از مهم‌ترین تذکره‌های متأخر است. حبیب افندی یا میرزا حبیب اصفهانی، شاعر و ادیب ایرانی دوره قاجار و از پیشگامان تحول در نثر و ترجمه فارسی است. تدوین نخستین دستور زبان فارسی را به او نسبت داده‌اند. وی به سبب اقامت طولانی در استانبول، نزد ترک‌ها به «حبیب‌افندی» و «میرزاحیب‌افندی» شهرت یافته است. شرح زندگانی میرزا حبیب اصفهانی در منابع مختلف به تفصیل ذکر و چهره فرهنگی و سیاسی خاصی از او ترسیم شده که مانند برخی از روشنفکران ناراضی دوره قاجار، جلای وطن کرده و به دولت عثمانی پناهنده شده است. رساله‌ خط و خطاطان اگرچه به زبان ترکی عثمانی تألیف شده اما به سبب ملیت و اصالت ایرانی نویسنده و نیز معرفی طبقات مختلف خوشنویسان ایرانی در آن باید مورد توجه قرار گیرد. این رساله را می‌توان مهم‌ترین تذکره خوشنویسان در دو سده اخیر دانست که تقریباً هیچ منبع دیگری از جهت غنای مطالب و استفاده از منابع گوناگون به پای آن نمی‌رسد. آثار اخیر که در ایران و ترکیه در این

۱. این کتاب را رحیم چاوش اکبری به فارسی ترجمه و با عنوان تذکره خط و خطاطان شامل خطاطان، نقاشان، مذهبان و قاطعان و جلدسازان ایرانی و عثمانی بانضمام کلام الملوک، در سال ۱۳۶۹، در تهران منتشر کرد. ترجمه عربی این رساله با عنوان «الخط و الخطاطون» توسط سامیه محمد جمال انجام شده و از سوی انتشارات مرکز القومي للترجمة در سال ۲۰۱۰ م. در قاهره به چاپ رسیده است.

موضوع تألیف شده‌اند، از این رساله به عنوان یکی از منابع اصلی و مهم خود یاد کرده‌اند؛ از جمله محمود کمال اینال^۱ در کتاب *صون خطاط‌الر* و عبدالمحمد ایرانی^۲ در کتاب *پیدایش خط و خطاطان* از رساله حیب افندی نقل قول کرده و به آن توجه داشته‌اند.

رساله *خط و خطاطان* به عنوان یکی از تذکره‌های مهم هنر خوشنویسی می‌تواند منبعی مهم در حوزه خوشنویسی به‌شمار آید که ایجاز و اختصار و نوآوری‌های نویسنده در آن و استفاده او از اطلاعات منابع پیشین در تدوین اثر، اهمیت ضرورت پرداختن به آن را دوچندان می‌کند. همچنین، علی‌رغم اینکه زبان این اثر ترکی عثمانی بوده و در استانبول به چاپ رسیده، اما با توجه به ملیت نویسنده می‌توان آن را اثری ایرانی و یا لاقبل مربوط به حوزه فرهنگی - هنری ایران دانست که متأسفانه تاکنون چنانچه شایسته است مورد توجه قرار نگرفته است. رساله *خط و خطاطان* که حیب افندی آن را در مقدمه‌اش به سلطان عبدالحمید دوم تقدیم کرده، با اجازه هیئت معارف عثمانی در سال ۱۳۰۵ق/ ۱۸۸۷م، در ۲۸۵ صفحه در چاپخانه ابوالضیاء استانبول به چاپ رسیده است. تاریخ چاپ روی جلد کتاب، ۱۳۰۶ق درج شده که البته اشتباه است؛ در متن کتاب به تاریخ صحیح، یعنی ۱۳۰۵ق، اشاره شده است (تصاویر ۱ و ۲). این رساله همچنین نخستین کتاب چاپ‌شده در دوره عثمانی درباره هنر خوشنویسی به‌شمار می‌رود (Alparslan 1996, 14:335).

تحفه خطاطین، اثر مستقیم‌زاده سعدالدین سلیمان افندی، *گلزار صواب*، اثر نفس‌زاده ابراهیم افندی و *مناقب هنروران*، اثر مصطفی عالی افندی، تذکره‌های پیشین خوشنویسی‌اند که نویسنده در مقدمه رساله‌اش از آنها به عنوان منابع خود در تدوین و تألیف اثر خویش نام برده است. به نظر می‌رسد وی از منابع دیگری نیز بهره‌مند شده که حتی هیچ نامی از آنها نیاورده است. با توجه به اینکه نویسنده در متن، تقریباً هیچ ارجاعی به منابع خود نداده، اما بررسی رساله پیوندهای بینامتنی آن با تذکره‌های خوشنویسی پیشین را به خوبی نشان می‌دهد.

۱. محمود کمال اینال (۱۸۷۰-۱۹۵۷م) مشهور به «ابن‌الامین»، نویسنده، مورخ، ادیب، و سیاستمدار دوره عثمانی که در دوره جمهوریت نیز وزیر آرشو نخست‌وزیری بود.

۲. حاج میرزا عبدالمحمد مؤدب‌السلطان ایرانی (۱۲۹۱-۱۳۵۴ق). مشهور به «چهره‌نما»، ادیب، شاعر، نویسنده و مورخ.

در بخش نخست این مقاله، روابط بینامتنی ساختار رساله خط و خطاطان بیان و در بخش دوم، به بررسی روابط بینامتنی مداخل آن پرداخته شده است. این رساله ضمن شباهت‌هایی که در ماهیت و ساختار با نمونه‌های قبلی خود دارد، از برخی جهات همچون فهرست و نوع تقسیم‌بندی از آنها دقیق‌تر است. از سوی دیگر، با توجه به اختصار مداخل، گزیده منابع پیشین بوده و حتی می‌توان آن را به‌طور خاص، گزیده کتاب تحفه خطاطین دانست که نویسنده در تدوین رساله و حتی نوع نگارش، به آن نظر ویژه‌ای داشته است.

۲ پیشینه تحقیق

رساله خط و خطاطان حبیب افندی برای ایرانیان و اعراب ناشناخته نیست و حتی ترجمه‌های فارسی و عربی آن نیز منتشر گردیده؛ اما تاکنون در ایران بررسی نشده است. در ترکیه نیز به استثنای چند اثر، کار خاصی درباره آن انجام نگرفته است. به نظر می‌رسد علت اصلی این امر، غلبه وجه ادبی و سیاسی شخصیت نویسنده است که این اثر وی را تحت‌الشعاع قرار داده و موجب شده تا چندان به چشم نیاید. در برخی از کتاب‌هایی که در دو سه دهه اخیر با موضوع خوشنویسی تألیف شده‌اند، نقل قول‌ها و ارجاعاتی از این رساله موجود است. تنها یک پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه مرمره استانبول با عنوان "*Hat ve Hattatan'da Osmanlı Hattatları*" (خطاطان عثمانی در خط و خطاطان) در سال ۲۰۰۷ یافت شد که موضوع آن تنها منحصر به بخش خطاطان عثمانی است. نویسنده در این پایان‌نامه، علاوه بر اینکه نقدهایی نیز به اصل اثر وارد کرده، بخش خطاطان ایرانی را به سبب عدم وجود منابع تحقیق، مورد بررسی قرار نداده است. در این مقاله، ما به بررسی ماهوی ساختار این رساله و روابط بینامتنی آن با دیگر تذکره‌های پیشین پرداخته و همه بخش‌های آن را مطالعه کرده و تلاش کرده‌ایم تا با مراجعه به اصل منابع ترکی و فارسی، تصویر روشن‌تری از این مسئله ارائه دهیم.

۳ بررسی روابط بینامتنی ساختار رساله خط و خطاطان

موضوع رساله خط و خطاطان - چنان که نویسنده خود در مقدمه بیان کرده است - به‌طور

عموم، «عبارت است از پیدایش و چگونگی تحول و دگرگونی و انتشار خط و به‌ویژه منشأ و منبع خط عربی و نیز، شرح حال خوشنویسانی که اقسام خطوط را اختراع و ابداع نموده و آن را به کمال حسن و زیبایی رسانده‌اند و معرفی استادان آنها و مکان و زمان حیات و سال وفات و مدفن ایشان و آثاری که در هنر خوشنویسی به یادگار گذاشته‌اند و همچنین هنرمندان هنرهای وابسته به خط چون نگارگری و تذهیب و تجلید است» (حبیب ۱۳۰۵: ۵). نویسنده، کتاب را در هفت بخش اصلی تدوین کرده که عبارتند از: مقدمه، شجره سرآمد خطاطان، ثلث و نسخ‌نویسان ایران، ثلث و نسخ‌نویسان عثمانی، نستعلیق‌نویسان ایرانی، نستعلیق‌نویسان عثمانی، و دیگر استادان خطوط گوناگون و هنرهای کتاب‌آرایی.

رساله با مقدمه کوتاهی آغاز می‌شود که در آن نویسنده هدف خود از تدوین این رساله را بیان داشته و اشاره‌ای گذرا به منابع و مأخذ خود می‌نماید. وی در ادامه، دیباچه‌ای در بیان کیفیت ایجاد خط نوشته و تاریخچه مختصری از اختراع خط از دوره باستان تا صدر اسلام را بیان داشته است. در انتهای این دیباچه، مطالبی برگزیده از کتاب مقدمه ابن‌خلدون ذکر شده که مشتمل بر کلیاتی در خصوص رشد و گسترش خط عربی در قلمروی ممالک اسلامی - از حجاز، عراق و ایران تا آفریقه و اندلس - است. پس از این، نویسنده خطوط گوناگون را معرفی کرده و اطلاعاتی کوتاه و مفید درباره آنها و ابداع‌کنندگانشان ارائه داده است. او در اینجا بعضی خطوط کهن اسلامی را تحت عنوان «خطوط موزونه اصلیه» نام برده که از بیشتر آنها فقط اسمی باقی است. آنگاه خطوط شش‌گانه - که به اقلام سته نیز مشهورند - معرفی و مورد استفاده هر یک بیان شده است: ثلث برای تعلیم و ورزش خط، نسخ برای کتابت تفاسیر و احادیث، محقق برای ثبت اشعار و قصاید، ریحانی برای کتابت مصاحف و اوراد و ادعیه، توقیع برای تحریر فرامین و منشورات، و رقع برای مکاتبات و مراسلات. علاوه بر این مطالب، حبیب افندی در این قسمت از اشاره به نکات ریز و کم‌اهمیتی که ارتباط مستقیم با موضوع داشته‌اند، همچون علامات متفرقه، اعراب و اعجام، معرفی برخی حروف شاذ و نادر و اشکال مختلف آنها دریغ نکرده است.

بخش دوم، شجره سرآمد خطاطان است که نویسنده، با معرفی نخستین خوشنویسان

دوره اسلامی آن را آغاز کرده و در ادامه به ذکر مختصری از خطاطان نامدار و مشاهیر آنان می‌پردازد؛ این هنرمندان به عنوان نخستین استادان و بنیان‌گذاران هنر خوشنویسی اسلامی معرفی شده و حلقه اول خوشنویسانند که از اتصال دیگر هنرمندان خوشنویس در طول زمان به این حلقه، سلسله یا شجره خوشنویسان پدید آمده که بستری مناسب برای بررسی و مطالعه روابط استاد و شاگردی میان خطاطان و نیز چگونگی نشر سبک و شیوه‌های مختلف خطوط گوناگون را فراهم آورده است. میرزا حبیب در این بخش، خلاصه‌ای از رساله سلسله الخطاطین^۱ را نقل کرده و در دو مورد نیز به بیتی از «صراط‌السطور» استناد می‌کند و همچنین در ذکر شاگردان یاقوت، از رساله قطبیه نام برده است.

در این بخش، شجره سرآمد خطاطان با امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام آغاز شده و از طریق برخی صحابه در صدر اسلام به اساتید نسل بعد همچون ابن‌مقله و ابن‌بواب و سرانجام به یاقوت المستعصمی منتهی می‌گردد؛ سپس شاگردان یاقوت – که به اساتید سبعة معروفند – نام برده شده‌اند که عبارتند از: عبدالله صیرفی، عبدالله ارغون کاملی، احمد طیب‌شاه، مبارکشاه قطب، مبارکشاه سیوفی، احمد سهروردی و میرحیدر گنده‌نویس. در میان این زنجیره البته خطاطانی هستند که شاگردان اساتید سلف و یا نمایندگان مکتب آنان بوده‌اند اما به اندازه استادان خود شهرت ندارند.

در مجموع، شرح حال ۴۰ تن از خوشنویسان سده‌های نخست هجری تا پایان دوره عباسیان و اوایل دوره ایلخانی در بخش دوم کتاب ذکر شده است. مدخل‌های این بخش بر اساس بازه زمانی تنظیم شده و از صدر اسلام تا حدود بیش از شش سده بعد را در بر می‌گیرد. مدخل‌ها غالباً کوتاه و مختصر بوده و برخی از آنها گاهی فقط در یکی دو سطر نوشته شده‌اند؛ تنها مدخل‌های مربوط به ابن‌مقله (که نویسنده از وی به عنوان «ناقل حقیقی» یاد کرده) و یاقوت المستعصمی بسیار مفصل و در سه چهار صفحه تنظیم شده‌اند که حاکی از اهمیت جایگاه این دو استاد در هنر خوشنویسی اسلامی است. نویسنده همچنین در این

۱. رساله مختصری اثر مستقیم‌زاده سعدالدین سلیمان افندی که آن را به کتاب تحفه خطاطین الحاق نموده است (حبیب ۱۳۰۵: ۴).

بخش، قصیده راثیه ابن‌بواب^۱ و ترجمه آن را برای استفاده بیشتر خوانندگان، پس از شرح حال وی آورده است.

بخش سوم شامل معرفی و شرح حال ثلث و نسخ‌نویسان ایران است و شرح حال ۴۴ تن از خوشنویسان این خطوط در آن ذکر شده است. مدخل‌های این بخش بر اساس ترتیب حروف الفبا تنظیم شده و تقریباً بازه زمانی دوره ایلخانی تا پایان دوره صفوی را در بر می‌گیرد. به نسبت بخش دوم، در این قسمت مدخل‌ها دیگر خیلی کوتاه نیستند؛ بلکه غالباً متوسط بوده و شامل یکی دو پاراگراف تا یکی دو صفحه می‌شوند. حبیب افندی در این بخش دو بار به مناقب هنروان استناد کرده و در یک مورد نیز مطلبی را از کشکول شیخ بهایی نقل می‌کند. او در پایان این بخش نوشته:

خطاطانی که در اینجا ذکر شدند، نسخ‌نویسان ایرانی هستند که آثارشان در ممالک عثمانیه دیده شده و در آنجا شهرت دارند. اما شرح حال دیگران در بخش فارسی رساله‌مان مفصل‌تر نوشته شده است (حبیب ۱۳۰۵: ۷۸).

از آنجا که رساله حبیب افندی به ترکی نوشته شده، احتمالاً منظور وی از بخش فارسی آن، بخش پنجم کتاب است که مربوط به خطاطان نستعلیق‌نویس ایران است. بخش چهارم، مشتمل بر معرفی و شرح حال ثلث و نسخ‌نویسان عثمانی است. در آغاز این بخش، ابتدا به معرفی هفت استاد بزرگ آناتولی یا «اساتید سبعة روم» — که نخستین خطاطان آن دیار و بنیان‌گذاران مکتب خوشنویسی عثمانی‌اند — پرداخته شده است که عبارتند از: شیخ حمدالله آماسی، مصطفی دده، عبدالله آماسی، محی‌الدین آماسی، اسحاق جمال‌الدین، احمد قره‌حصاری و شربتچی‌زاده ابراهیم بورسوی. در پایان این قسمت کوتاه، تصویری از بسمله به خط مسلسل اثر احمد قره‌حصاری درج شده که تنها تصویر موجود در این رساله است (تصویر ۳). در این بخش، مانند بخش سوم، شرح حال خوشنویسان خطوط ثلث و نسخ دوره عثمانی ذکر و مدخل‌های آن بر اساس ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. در انتهای بخش چهارم، معرفی ۷ تن از خطاطان مربوط به این دوره که تاریخ

۱. منظومه‌ای عربی مشتمل بر ۲۳ بیت سروده ابوالحسن علی بن هلال معروف به ابن‌بواب (از خوشنویسان تراز اول اسلام در سده ۳ و ۴ ق.) درباره هنر کتابت و لوازم خوشنویسی است (برای کسب اطلاعات بیشتر نک: ذنون ۲۰۱۲).

وفاتشان مشخص نبوده، آمده و در ادامه آن، نویسنده ۱۵ تن از خطاطان معاصر خود را که در تاریخ تحریر رساله در قید حیات بوده‌اند، نام برده و در یکی دو سطر معرفی کرده است. با احتساب این دو قسمت اخیر، در مجموع ۳۰۱ مدخل در این بخش موجود است. علت فراوانی مدخل‌های این بخش را باید در رواج و گسترش فراگیر خطوط ثلث و نسخ در عثمانی جستجو کرد؛ البته عدم دسترسی نویسنده به منابع و تذکره‌های ایرانی نیز موجب شده تا تعداد خوشنویسان ایرانی در ثلث و نسخ از خطاطان عثمانی کمتر باشد.



تصویر ۳: بسمله به خط مسلسل اثر احمد قره‌حصاری / رساله خط و خطاطان، ص ۸۶
مأخذ: آرشیو نگارنده

موضوع بخش پنجم، درباره خطاطان نستعلیق‌نویس ایران است که شرح حال ۲۰۶ تن از آنان را در بر می‌گیرد. مدخل‌های این بخش بر اساس ترتیب حروف الفبا تنظیم شده و در انتهای آن، ۹ تن از خطاطان با عنوان «محرّفان خط» معرفی شده است؛ وجه تسمیه این عنوان به سبب مغایرت شیوه و اسلوب این اساتید با دیگر هم‌طرازان معاصر خویش از جمله سلطان‌علی مشهدی بیان شده است (حبیب ۱۳۰۵: ۲۳۲).

بخش ششم شامل شرح حال ۵۳ تن از خطاطان نستعلیق‌نویس عثمانی است که در انتهای آن، ۱۶ تن از خوشنویسان بزرگ نستعلیق که پس از ۱۳۰۲ق (یعنی ۳ سال پیش از تألیف رساله و معاصر نویسنده) آمده‌اند نیز معرفی و ضمیمه این بخش شده‌اند و در مجموع ۶۹ مدخل در این بخش وجود دارد. علت فراوانی مدخل‌های بخش پنجم نیز، پیدایش و رواج خط نستعلیق در ایران است که در دوره صفوی به عثمانی انتقال یافت^۱. بدین‌سان

۱. درویش عبدی بخاری (درگذشته ۱۰۵۷ق. / ۱۶۴۷م.) از شاگردان میرعماد، شیوه او در نستعلیق را به عثمانی برد و در آنجا رواج داد (برک ۱۳۹۶: ۶۲).

عثمانیان نستعلیق را ابتدا از ایرانیان آموختند و دو سده بعد، اسلوب ترکی را بر اساس شیوه میرعماد و اصول زیبایی‌شناسی خویش بنا نهاده و آن را تعلیق نامیدند؛ اما در نهایت، تعداد خطاطان نستعلیق‌نویس عثمانی به نسبت هم‌مطرازان ایرانی‌شان بسیار اندک است.

بخش هفتم، مجموعه‌ای از مداخل مربوط به برخی از خوشنویسان ایران و عثمانی در سایر خطوط و نیز اساتید و هنرمندان دیگر هنرهای کتاب‌آرایی و برخی اطلاعات اضافی درباره خوشنویسان است که نویسنده بعداً آنها را به دست آورده است. در این بخش، درباره خوشنویسان سایر خطوط شامل تعلیق‌نویسان، دیوانی‌نویسان، چپ‌نویسان، غبارنویسان و شکسته‌نویسان، ۶۷ مدخل و درباره هنرمندان کتاب‌آرایی همچون طراحان، قاطعان، مصوران، نقاشان، مُذهبان و مجلدان، ۲۲۵ مدخل وجود دارد. پرداختن به سایر هنرهای کتاب‌آرایی در این رساله، حاکی از اهمیت آنها و آمیختگی و قرابتی است که این هنرها با خوشنویسی داشته و همچنین برخی از خوشنویسان، در یک یا چند هنر دیگر از این هنرها، استاد بوده‌اند؛ به همین سبب گاهی مداخل تکراری نیز دیده می‌شوند. پایان‌بخش رساله، منظومه عربی بضاعة‌الموجود^۱ است که نویسنده آن را برای استفاده مخاطبین در انتهای کتاب گنجانده است.

همچنین میرزا حبیب در مداخل بخش هفتم این رساله – که درباره خوشنویسان خطوط گوناگون و سایر هنرمندان کتاب‌آرایی است – کاملاً از مداخل مندرج در مناقب هنروران بهره برده و مابقی را خود به آنها افزوده است. تعداد مداخل‌های این بخش در مجموع ۲۲۵ عدد است که شامل تعلیق و دیوانی و چپ‌نویسان ایران (۳۱ مدخل)، غبارنویسان ایران (۴ مدخل)، دیوانی و چپ‌نویسان عثمانی (۳۲ مدخل)، مجلدان ایران (۵ مدخل)، طراحان ایران (۱۳ مدخل)، قاطعان ایران (۵ مدخل)، مصوران و نقاشان (۲۶ مدخل)، مُذهبان ایران (۱۰ مدخل)، نقاشان و مصوران و مُذهبان و طراحان عثمانی (۳۹ مدخل)، اساتید تذهیب و تجلیدی که تا سال ۱۳۰۶ ق زنده بوده‌اند (۳۵ مدخل)، مجلدان

۱. رساله‌ای منظوم درباره علم و اصول خوشنویسی در ۱۳۵ بیت عربی سروده شیخ محمد بن الحسن السنجاری (زنده در ۸۴۶ ق) (برای کسب اطلاعات بیشتر → السنجاری ۲۰۰۲).

عثمانی (۱۵ مدخل) و استادان تذهیب و تجلید معاصر نویسنده (۱۰ مدخل) است. همین تقسیم‌بندی داخلی بخش هفتم می‌تواند حاکی از دقت نظر نویسنده و توجه او به اهمیت موضوع باشد؛ این در حالی است که تعداد کل مداخل مناقب هنروران در این بخش، فقط ۶۷ عدد است. گرچه این مداخل در تذکره‌های پیشین (همچون مناقب هنروران) به صورت محدود و کم‌شمارتر — آن هم بدون چنین تقسیم‌بندی دقیقی — موجود است اما حبیب افندی با افزودن چند مدخل دیگر، غنای آن را بیشتر کرده است. این مطلب به‌ویژه در مداخل مربوط به استادان معاصر وی ملموس‌تر است. بنابراین در این بخش به جز مداخل مربوط به خوشنویسان، نویسنده به طور خاص از تذکره مناقب هنروران در رابطه با مداخل مربوط به سایر هنرمندان کتاب‌آرایی بهره برده است. ساختار مداخل این بخش بسیار ساده و مختصر است؛ مطالب هر مدخل — بنا بر اطلاعات موجود اندک — از چند کلمه تا دو سه سطر متغیر است. حبیب افندی در این باره نوشته:

هر چقدر هم که برخی از این استادان را طراح و یا برخی دیگر را مصور یا مُدّهب بنامند، بسیاری از آنان در انواع هنرها استاد بوده‌اند. هیچ‌کس به بیان شرح حال آنان همت نگماشته و فقط در برخی تذکره‌ها بنا بر مناسبتی ذکر از آنان شده است. پس از مرگشان نیز زمان و مکان وفات و آثارشان در بوته غفلت و اهمال قرار گرفته و به فراموشی سپرده شده است. شرح مختصری که از استادان ایرانی در این جا ذکر شده نیز بر اساس «توشه‌ای از گوشه‌ای و از هر خرمنی خوشه‌ای» گردآوری شده است (حبیب ۱۳۰۵: ۲۶۵).

با توجه به آنچه گفتیم، در مجموع، ۸۸۵ مدخل در رساله خط و خطاطان نوشته شده که ترکیب ساختار آن را به شرح جدول شماره ۱ تشکیل می‌دهند. ساختار کلی رساله خط و خطاطان، مبتنی بر دو شیوه کلی و درهم است؛ یکی تقسیم‌بندی مداخل بر اساس جغرافیا و ملیت (مانند تقسیم هنرمندان به ایرانی و عثمانی) و دیگری بر اساس فهرست الفبایی. ساختار تذکره‌های پیشین بر یکی از این دو روش و یا هر دوی آنها استوار است. ساختار تذکره‌های مختصر و کم‌حجم به روش نخست پایه‌ریزی شده، زیرا تعداد هنرمندان یا مداخل آنها چندان زیاد نیست؛ از طرفی، به سبب سهم

عمده ایرانیان و عثمانیان در خوشنویسی، اکثر خطاطان از جهت ملی و جغرافیایی در یکی از این دو حیطه قرار می‌گیرند. در مقابل، برخی از تذکره‌های حجیم‌تر و بزرگ‌تر از فهرست الفبایی بهره می‌برند؛ چراکه تعداد مدخل‌های آنها بیش از حد معمول است و مخاطب با مراجعه به فهرست می‌تواند مدخل مورد نظر خویش را بیابد. بدیهی است که نویسنده این ساختار را از دیگر تذکره‌ها، همچون مناقب هنروران (که بر منای هر دو نوع تقسیم‌بندی است) و تحفه خطاطین (که بر اساس فهرست الفبایی تنظیم شده) وام گرفته است.

جدول شماره ۱

جدول تقسیم و پراکندگی مدخل‌های رساله خط و خطاطان			
بخش	عنوان	تعداد مدخل‌ها	درصد
بخش اول	مقدمه، بیان تاریخچه خط و خوشنویسی	۰-	٪۰
بخش دوم	شجره سرآمد خطاطان	۴۰	٪۴/۸
بخش سوم	ثلث و نسخ‌نویسان ایران	۴۴	٪۵
بخش چهارم	ثلث و نسخ‌نویسان عثمانی	۳۰۱	٪۳۴
بخش پنجم	نستعلیق‌نویسان ایران	۲۰۶	٪۲۳/۵
بخش ششم	نستعلیق‌نویسان عثمانی	۶۹	٪۶/۵
بخش هفتم	خوشنویسان خطوط گوناگون و سایر هنرمندان کتاب‌آرایی	۲۲۵	٪۲۵/۵
مجموع		۸۸۵	٪۱۰۰

بررسی روابط بینامتنی مدخل‌ها رساله خط و خطاطان

یکی از نکاتی که میرزا حبیب در مقدمه رساله‌اش به آن اشاره کرده، منابعی است که وی برای تألیف اثر خود از آنها بهره برده است. وی خود خوشنویس نبوده اما سبک و شیوه رساله‌اش حاکی از آن است که اطلاعات بسیار خوبی درباره خوشنویسی داشته و یا لاقلاً به منابع مناسبی دسترسی داشته است؛ به‌ویژه بررسی بخش خطاطان ایران در این رساله، مؤید این مطلب است. با این حال وی در کتاب خود اشاره کرده که به دلیل عدم دسترسی به منابع کافی، نتوانسته شرح حال برخی از خوشنویسان ایرانی را به کتابش بیفزاید و به

همین سبب، تحقیق درباره‌ی این موضوع را در استانبول، امری بیهوده دانسته و آن را به پژوهشگران ایرانی حواله داده است. میرزا حبیب در انتهای بخش شرح حال خطاطان ایرانی در این باره می‌نویسد:

به جز اینان، خوشنویسان دیگری نیز پیش از میرعماد بوده‌اند که نستعلیق را در کمال زیبایی کتابت کرده‌اند اما هیچ دسترسی به شرح حال هیچ یک از آنان نداشتیم. از میان خطاطانی که پس از میرعماد آمده‌اند، برخی صاحب خط حقیقی و استاد واقعی بوده‌اند که همتی بر نوشتن شرح حال آنان نشده و اکنون که ما در استانبول نشسته‌ایم، تحقیق درباره‌ی احوال آنان کاری بیهوده و عبث است؛ به همین جهت از این خصوص صرف نظر کردیم و به مصداق اهل البیت اداری بما فیه، این امر به ایرانیان صاحب همت حواله شد (حبیب ۱۳۰۵: ۲۳۱).

نویسنده به غیر از دو سه منبع ترکی عثمانی، نام هیچ‌یک از تذکره‌های پیشین فارسی را در مقدمه ذکر نکرده است. مطالب مندرج در مدخل‌های مربوط به خوشنویسان ایرانی و به‌ویژه خوشنویسان دوره صفوی، حکایت از توجه و دقت نویسنده در تنظیم و تدوین آنها دارد؛ بنابراین می‌توان گفت احتمالاً وی در تألیف بخش مربوط به خطاطان ایران از منابع مهمی همچون گلستان هنر^۱ یا تذکره الخطاطین^۲ بهره برده و البته هیچ نامی از آنها نیاورده است. او در مقدمه رساله خود می‌نویسد:

مأخذ مقصود ما در باب خط و خوشنویسان ایران، اطلاعات و دریافت‌های ذاتی ما از تذکره‌ها و رساله‌های پیشین در این موضوع است که بر اثر تلاش و کوشش به‌دست آورده‌ایم. اما درباره‌ی خطاطان مملکت عثمانی بر اساس فحوای «کل صید فی جوف الفراء»، کتاب تحفه خطاطین مرحوم مستقیم‌زاده، ما را از دیگر نسخه‌ها - اگرچه منابع نفیسی همچون گلزار صواب نفس‌زاده و مناقب هنروران عالی افندی باشند - بی‌نیاز

۱. گلستان هنر تألیف قاضی احمد منشی قمی است که در ۱۰۰۶ ق. / ۱۵۹۸ م. به نگارش درآمده است. این اثر از معدود منابع مستقلی است که حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی شرح احوال خوشنویسان، نگارگران، مذهبان و هنرمندان رشته‌های کتاب‌آرایی در ایران عصر صفوی ارائه می‌دهد و دارای یک مقدمه، چهار فصل و یک خاتمه است کسب اطلاعات بیشتر → قمی ۱۳۵۲).

۲. کتاب کوچکی است در شرح احوال خطاطان اواخر دوره صفویه تألیف میرزا محمدصالح اصفهانی (درگذشته ۱۱۲۶ ق) فرزند میرزا ابوتراب اصفهانی (از شاگردان برجسته میرعماد و کتیبه‌نویس عهد صفوی) که شامل اطلاعات دست اول نویسنده درباره ۲۰۰ تن از خوشنویسان آن دوره و نیز اصطلاحات فراوان خوشنویسی است (برای کسب اطلاعات بیشتر → فیروزبخش ۱۳۸۵: س ۶، ش ۱ و ۲، ص ۱۳-۳۴).

می‌دارد چراکه این کتاب، شرح تفصیل احوال بسیاری از خطاطان را تا سال ۱۲۰۲ [هجری قمری] از این منابع استخراج نموده و نویسنده آن در رساله کوچکی به نام سلسله‌الخطاطین شرح حال حدود ۹۰ تن از خوشنویسانی که آثار آنان باقی مانده و نیز بیش از صد نفر دیگر را از منابع دیگر معرفی کرده و برای تمایز میان این دو گروه، آنها را با ارقام هندسی نشان داده است؛ همچنین برای خوشنویسانی که پس از سال ۱۲۰۲ ق در حیات بوده‌اند و شرح حال آنان هنوز جایی ثبت و ضبط نشده، به میزان توان با کسب اطلاعات، از مدفن و سنگ‌مزارشان، شرح حال و تاریخ وفاتشان را تحقیق و تدقیق نموده و به این رساله افزوده است (حبیب ۱۳۰۵: ۴).

در بخش مربوط به خطاطان عثمانی، میرزا حبیب به منابع مهمی دسترسی داشته که طبعاً تا آن زمان در اختیار ایرانیان نبوده است. مهم‌ترین منبع او در این بخش، کتاب *تحفه خطاطین*^۱ است که تقریباً در همه‌جا مورد توجه نویسنده بوده و نقل‌قول‌های مستقیم و غیرمستقیم از آن به وفور در متن اثر دیده می‌شود. به نظر می‌رسد نویسنده بیشترین تأثیر را از *تحفه خطاطین* گرفته باشد؛ زیرا علاوه بر استفاده فراوان از آن به عنوان منبع اصلی، سبک نوشتارش نیز شباهت فراوانی به آن داشته و به نوعی از آن پیروی می‌کند. نویسنده، نکات اصلی و مهم مربوط به مدخل موردنظر را به صورت مختصر و چکیده و بدون اطناب و اغراق در آرایه‌های ادبی، از سه منبع پیشین استخراج نموده و به مخاطب عرضه کرده است. بررسی سبک و شیوه نوشتار او، مستلزم تسلط نسبی بر ادبیات ترکی عثمانی است اما با توجه به نزدیکی فاصله زمانی، حدود یک سده، بین این رساله و *تحفه خطاطین*، بدیهی است که شباهت این دو به نسبت دو تذکره دیگر بیشتر باشد.

با اینکه نویسنده در مقدمه منابع اصلی ترکی خود را نام برده، اما در متن اثر تقریباً از نقل‌قول مستقیم استفاده نکرده و نقل‌قول‌ها بیشتر غیرمستقیم و بدون اشاره به منبع هستند. گاهی نیز تعبیرات، عبارات و جملات عیناً از روی منبع و بدون اشاره به آن نقل شده‌اند. گرچه

۱. *تحفه خطاطین* بزرگ‌ترین و مفصل‌ترین تذکره خوشنویسان است که توسط مستقیم‌زاده سعدالدین سلیمان افندی (درگذشته ۱۲۰۲ ق. / ۱۷۸۸ م.) - که خود از خطاطان دوره عثمانی است - تألیف شده است. این کتاب منبع اصلی تحقیق در خوشنویسی است و علاوه بر آن، حاوی اطلاعات گسترده‌ای درباره لغت، ادبیات و عرفان است. ساختار این کتاب در دو فصل تنظیم شده و شرح حال بیش از دو هزار تن از خطاطان جهان اسلام به ترتیب حروف الفبا تا سال‌های پایانی سده ۱۲ هجری در این اثر مندرج است. (Alparslan 1996, 14:353).

نویسنده در مقدمه خود به دو منبع مهم دیگر یعنی مناقب هنروران^۱ و گلزار صواب^۲ - که هر دو از تذکره‌های پیشین عثمانی هستند - اشاره کرده، ولی خود اذعان دارد که با وجود اینها، تحفه خطاطین به تنهایی برای استفاده او کفایت کرده است. در این جا برای نمونه، سه مدخل عبدالله صیرفی (از بخش دوم)، اسدالله کرمانی (از بخش سوم) و عبدالله قریمی (از بخش چهارم) از رساله خط و خطاطان را با توجه به منابع پیش گفته بررسی می‌کنیم.

میرزا حبیب در مدخل مربوط به عبدالله صیرفی چنین می‌نویسد:

ولد خواجه محمود صراف تبریزی و شاگرد سیدحیدر جلی نویسنده است. اکثر اکتیبه‌های [عمارات تبریز به خط اوست... انیس و جلیس سیدحیدر گنده نویسنده بوده و به تحصیل حُسن خطِ نفیس مشغول بودند و با یکدیگر به تلاحق افکار، تصرف و انتقاد داشتند و منقول است که حُسن خط با تعریب و تعجیم این دو زینت یاب نمط گردیده است. وفاتش در هفتصد و چهل و دو است. سی‌وشش قرآن نوشته (حبیب ۱۳۰۵: ۵۶).

تحفه خطاطین درباره صیرفی نوشته:

بغدادی است. انیس و جلیس سیدحیدر گنده نویسنده بوده و به تحصیل حُسن خطِ نفیس مشغول بودند و با یکدیگر به تلاحق افکار، تصرف و انتقاد داشتند و منقول است که حُسن خط با تعریب و تعجیم این دو زینت یاب نمط گردیده است. بیت؛ آن که ورزد صیرفیء عقل هر حرف از خطش / رشته دُرست کان را جوهر جان قیمت است. مصحف مستطابی به خط ایشان در استانبول موجود است. در [مناقب] هنروران عالی نقل شده که قرآن کریم را به شکلی پیوسته بر طاق مدرسه میرزا که سلطان حسین بایقرا در هرات بنا نمود، نوشته است که می‌بایست در حدود تاریخ نهصد [هجری] باشد. لکن این فقیر از آثار او قطعه‌ای (خط عالی ۷۲۰) زیارت کردم. معروف است که استاد آگاه، جناب شیخ حمدالله رحمه‌الله، خطوط رعناى اینان را نقل کرده است. اما تاریخ، مساعد ملاقات ایشان با هم نبوده مگر آن که متعدد باشد (مستقیم‌زاده ۱۹۲۸م: ۲۸۸).

۱. کتاب مناقب هنروران اثر مصطفی عالی افندی (درگذشته ۱۰۰۸ ق. / ۱۶۰۰ م.) است. مصطفی عالی - چنانچه خود بیان داشته - در تألیف کتاب خود از رساله قطبیه استفاده کرده که حاوی سرگذشت ۵۲ تن از خطاطان نستعلیق‌نویس بوده و او سرگذشت چند خوشنویس دیگر را بر آن افزوده است. مناقب هنروران در یک مقدمه، پنج فصل و یک خاتمه به نگارش در آمده است (Nuhoğlu 2004, 29:110).

۲. کتاب گلزار صواب اثر نفس‌زاده ابراهیم افندی (درگذشته ۱۰۶۰ ق. / ۱۶۵۰ م.) است. این کتاب دارای یک فصل و مشتمل بر دو باب است و نویسنده در آن به شرح حال ۴۷ تن از خطاطان نامدار ایران و عثمانی از گذشته تا معاصر خود می‌پردازد. (Nuhoğlu 1996, 14:260).

در این مدخل، حبیب افندی به جز نام پدر خطاط که در ابتدای مطلب آورده، باقی اطلاعاتش را از تحفه خطاطین اخذ نموده است. وی حتی به سایر اطلاعات راجع به صیرفی که در تذکره‌های دیگر مندرج است و حتی طول و تفصیل بیشتری هم دارد، اشاره‌ای نداشته و چه‌بسا آنها را ندیده باشد؛ زیرا فقط به تحفه خطاطین رجوع کرده و چنان‌که در متن مشهود است، حتی عین برخی از عبارات آن را درج کرده است. از نظر ساختاری نیز بر اساس سبک و شیوه نویسنده در تألیف رساله، مدخل، کوتاه و مختصر بوده و حاوی چکیده اطلاعات است و شاید به همین سبب نویسنده رجوع به سایر منابع را ضروری ندیده است.

میرزا حبیب در مدخل مربوط به اسدالله کرمانی می‌نویسد:

شاگرد شیخ محمد کرمانی و استاد قره‌حصاری است. وفاتش در سال ۸۹۳ ق بوده است. نسخه‌ای وقف‌شده از مصحف شریف به خط وی در کتابخانه ایاصوفیه استانبول موجود است؛ در صفحات آغازین آن قطعه‌ای تذهیب‌شده وجود دارد که تاریخ کتابت آن را نشان می‌دهد؛ قطعه: از آن روزی که از مصحف نوشتم/ به جزء و حزب و عشر و خمس و آیات؛ به فال سعد از روی معانی/ به تاریخش نوشتم «تلك آیات» (حبیب ۱۳۰۵: ۵۹).

در تحفه خطاطین درباره اسدالله کرمانی چنین نوشته:

کرمانی است. منسوب به کرمانشاه است. هژیر نیستان عرفان بوده و حسن خط ثلث و نسخ را از آثار خامه محمد کرمانی استفاده کرده و از روی تقلید مشق نموده و اجازت گرفته است. شاگردی همچون قره‌حصاری، در دایره تربیت او مشهور جهان شده است. در کتابخانه ایاصوفیه کبیر مصحف شریفی به خط وی موقوف است که این بیت را به عنوان ماده تاریخ پایان کتابت در ابتدای سرلوحه مذهب آن نوشته است: از آن روزی که از مصحف نوشتم/ به جزء و حزب و عشر و خمس و آیات؛ به فال سعد از روی معانی/ به تاریخش نوشتم «تلك آیات»؛ آخر الامر، پنجه شیر اجل گریبانش را گرفته و پس از سال ۸۹۲ در عالم ارواح، همنشین جناب اسدالله علیه رضوان‌الاله گردید (مستقیم‌زاده ۱۹۲۸م: ۱۱۳).

مقایسه عباراتی که حبیب افندی درباره این مدخل آورده با عبارات مندرج در منابع دیگر، نمونه‌ای روشن و واضح از نحوه کار او در رساله خط و خطاطان است. وی در این مدخل، اطلاعات کوتاه و مفید سایر منابع را به مخاطب خود عرضه کرده است؛ ذکر نام استاد اسدالله کرمانی (محمد کرمانی) و شاگردش (احمد قره‌حصاری)، تاریخ وفات او و اشاره به یکی از مهم‌ترین آثارش (مصحفی که به خط او در کتابخانه ایاصوفیه استانبول موجود است) تمام متن

این مدخل را تشکیل می‌دهد. نویسنده حتی قطعه‌ی دوبیتی ماده‌تاریخ کتابت مصحف مذکور را نیز عیناً از روی تحفه‌ی خطاطین و بدون ذکر منبع، نقل کرده است. میرزا حبیب در مدخل مربوط به عبدالله قریمی نوشته:

در روزگار سلطان سلیمان خان ظهور کرده و از مصطفی دده اجازت یافته بود. پس از بروز واقعه‌ای که دلالت بر مرگش داشت، محلی را در خارج سور استانبول در جوار مسجد امیر بخاری و ابویوب انصاری علیه رضوان الباری، مکانی را برای مزار خویش برگزیده و ابتدا عبارت «قد طوی طوامیر الاعمال و نسخ اساطیر الآمال بالآجال» و سپس نام نامی خود و دو ۹ را نگاشته و سومین را ترک نموده و فرموده بود از میان شاگردانم یکی این ۹ سوم را خواهد نوشت. عاقبت آن واحد چون الف، یک سال پیش از آن که سال هزار هجری فرا رسد، به باغ سرای بهشت منتقل گردید (حبیب ۱۳۰۵: ۱۱۹).

تحفه‌ی خطاطین درباره‌ی عبدالله قریمی می‌نویسد:

قریمی است. در روزگار سلطان سلیمان خان ظهور کرده و نزد درویش محمد بن مصطفی دده، حفید سعید شیخ حمدالله آگاه، مشق نمود و با اندک تلاشی موفق به اخذ اجازت گردیده بود. پس از بروز واقعه‌ای که دلالت بر مرگش داشت، محلی را در خارج سور استانبول در جوار مسجد امیر بخاری و ابویوب انصاری علیه رضوان الباری، مکانی را برای مزار خویش برگزیده و ابتدا عبارت «قد طوی طوامیر الاعمال و نسخ اساطیر الآمال بالآجال» و سپس نام نامی خود و دو ۹ را نگاشته و سومین را ترک نموده و فرموده بود از میان شاگردانم یکی این ۹ سوم را خواهد نوشت. عاقبت آن واحد چون الف، یک سال پیش از آن که سال هزار هجری فرا رسد، به باغ سرای بهشت منتقل گردید. احوال امثال او در [مناقب] هنروران عالی و سایر رساله‌های خط مذکور است (مستقیم‌زاده ۱۹۲۸م: ۲۸۹).

در این مدخل، نویسنده در ابتدا اشاره‌ای مختصر به زمان حیات عبدالله قریمی (دوره‌ی سلطان سلیمان قانونی) و استاد وی (مصطفی دده) نموده و سپس به ماجرای تهیه‌ی سنگ‌مزار او و کتیبه‌ی آن پرداخته که بخش عمده‌ای از مطلب و حتی برخی از کلمات و عبارات را عیناً از روی تحفه‌ی خطاطین نقل کرده است. باتوجه به این که حبیب افندی به نکات دیگری از حیات قریمی که در مناقب هنروران و گلزار صواب مذکور است اشاره نداشته، می‌توان نتیجه گرفت که وی اصلاً به این دو تذکره مراجعه نداشته و به تحفه‌ی خطاطین بسنده کرده است. باتوجه به سه نمونه‌ی مذکور، بررسی ساختار مداخل رساله‌ی خط و خطاطان نشان می‌دهد که در اکثر آنها، مطالب عیناً از روی کتاب تحفه‌ی خطاطین و در برخی دیگر، نقل به مضمون از این

کتاب یا تذکره‌های پیشین است و نویسنده گرچه به استفاده مستقیم از آنها تصریح نکرده، اما بی‌شک به آنها نظر داشته و از شیوه تنظیم ساختار آنها برای اثر خود بهره برده است. میرزا حبیب در جای‌جای رساله‌اش از اشعار فارسی، ترکی و عربی بنا به فراخور حال بهره برده و بسیاری از آنها را از تحفه خطاطین نقل کرده است. شمار زیادی از این اشعار، ماده تاریخ ولادت یا مرگ خوشنویسان، تاریخ اتمام آثار و یا نعت و مدح خط ایشان و یا اشعاری است که خطاطان شاعر سروده‌اند. مثلاً درباره ابن‌مقله، دو بیت از قصیده سعدی شیرازی را آورده است: گر ابن‌مقله دگر باره در جهان آید/ چنان‌که دعوی معجز کند به سحر مبین؛ به آب زر نتواند کشید چون تو الف/ به سیم حل ننگارد بسان نغز تو سین (حبیب ۱۳۰۵: ۴۱) و برای ماده تاریخ مرگ یاقوت المستعصمی این رباعی را درج کرده: یاقوت جمال دین شه اهل هنر/ در صبح خمیس سادس شهر صفر؛ در سبعة و ستین بود و ست مئه/ کز دار فنا به آخرت کرد سفر (همان: ۵۳). او این بیت را نیز منسوب به بایسنغر میرزا دانسته است: گدای کوی او شد بایسنغر/ گدای کوی خوبان پادشاه است (همان: ۶۰). حبیب افندی دو مورد اخیر را عیناً از تحفه خطاطین (صفحات ۵۷۶ و ۱۴۲) و مناقب هنروران (صفحه ۳۸) و گلزار صواب (صفحه ۴۲) و بدون اشاره به آنها نقل کرده است. علت درج اشعار در این رساله می‌تواند علاقه نویسنده به شعر و ادبیات بوده باشد؛ چنان‌که وی خود ادیب و شاعر نیز بوده و تلاش کرده تا متن منثور رساله‌اش را با زیور اشعار، زینت بخشد. برخی از اشعار مندرج در رساله او، در تحفه خطاطین و و دیگر منابع موجود نیست و این به سبب تسلط نویسنده به شعر و ادبیات فارسی است.

درباره ارزش این اثر، خان‌ملک آورده است:

که وی یکصد سال تاریخ و سیره خوشنویسان را بر تألیفات سابقین اضافه کرده، نواقص آنها را تکمیل نموده و نظریات جدیدی ضمیمه آنها کرده است و به همین دلخوش بوده که هنرمندان و خوشنویسان ایران را بدین وسیله از زوایای خاموشی و فراموش‌شدگی بیرون بکشد. این کتاب از منابع مهم کلمان هوار در تدوین کتاب خوشنویسان و مینیاتوربست‌های شرق مسلمان بود (میرانصاری ۱۳۹۲: ۹۵-۹۶).

۴ جمع‌بندی

رساله خط و خطاطان به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار متأخر در حوزه تذکره‌نویسی

خوشنویسی است که از جهت ساختاری و محتوایی، به بعضی از تذکره‌های پیشین شباهت بسیار داشته و روابط و پیوندهای بینامتنی میان آنها بسیار محکم و گسترده است. نویسنده رساله به کرات از تذکره‌های گوناگون در تألیف و تدوین اثر خود بهره برده و به‌ویژه به کتاب *تحفة خطاطین* توجه خاصی داشته است. نوع فهرست‌بندی رساله که مبتنی بر ملیت هنرمندان و جغرافیاست، و نیز اختصار مطالب در تدوین مداخل، از نوآوری‌ها و شیوه‌های خاصی است که نویسنده در کار خود آنها را به کار گرفته است.

مهم‌ترین ویژگی‌های کار حبیب افندی در رساله *خط و خطاطان*، تلخیص و فشرده‌سازی اطلاعات منابع معتبر پیشین، افزودن شرح حال خطاطانی که در فاصله زمانی میان منابع قبلی و کتاب حبیب افندی (حدود یک سده) می‌زیسته‌اند و نامی از آنها در تذکره‌های گذشته نبوده، و معرفی خطاطان و خوشنویسان معاصر خود است؛ این ویژگی اخیر، به‌خصوص درباره هنرمندان ایرانی اهمیت بیشتری دارد. مثلاً نام خوشنویسان بزرگ و مشهور دوره قاجار که با نویسنده معاصر بوده‌اند، نخستین بار در کتاب حبیب افندی، در خارج از مرزهای ایران مطرح و معرفی شده است؛ وی نام استادانی همچون میرزا فتحعلی حجاب و وصال شیرازی و فرزندان‌شان در شیراز، میرحسین ترک و میرزا غلامرضا اصفهانی در تهران، میرزا رضا و میرزا رضی در تبریز، میرزا محمدعلی سنگلاخ در خراسان و میرزا آقا افشار ارومیه‌ای را ذکر می‌کند اما برخلاف همگنان معاصر عثمانی‌شان که در حد ولو یک سطر کوتاه معرفی شده‌اند، این معرفی در حد ذکر نام - آن هم فقط از همین چند نفر - است و نه بیشتر. به نظر می‌رسد علت اصلی این مسئله را باید در علاقه‌های فرهنگی و مراودات حبیب افندی جستجو کرد؛ او صاحب کتابخانه‌ای با نسخه‌های خطی فوق‌العاده ارزشمند بود^۱ و از مشتریان دائمی بازار صحافان (صاحف‌لار چارشیشی) استانبول به شمار

۱. میرزا حبیب در زمان اقامت در استانبول، در خانه‌ای به شماره ۲۹ در محله دفتردار ابوالفضل در ناحیه توپخانه استانبول اقامت کرد؛ این خانه زیبا با معماری قرن نوزدهمی و آراسته به اثاثیه ایرانی، میزبان مؤیدالملک قاجار در بازگشت از دومین سیاحت اروپا و حاج محمد علی پیرزاده و حاج میرزا حسن خان که در معیت او بودند، بوده و یکی از مراکز تجمع روشنفکرانی به شمار می‌رفته که از ایران و اروپا به استانبول می‌آمدند و حبیب افندی در این خانه پذیرای آنان بوده است؛ پیرزاده از غنای کتابخانه حبیب افندی و آثار موجود در آن در سفرنامه‌اش اظهار شگفتی کرده. این کتابخانه کم‌نظیر، پس از مرگ حبیب افندی، همچون سایر اموالش فروخته و وجه نقدی آن - که مبلغ قابل ملاحظه‌ای بوده - به وراثت پرداخت شد. (برای اطلاعات بیشتر → XIX. Yüzyıl Osmanlı

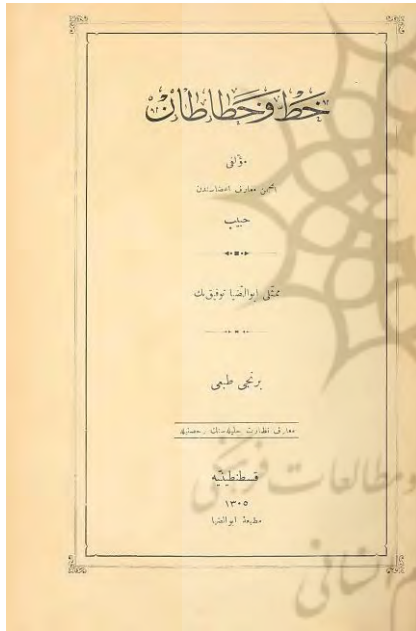
(Başkentinde Entelektüel Bir Acem: Mirza Habib İsfehâni ve Terekisi

می‌رفت که محل عرضه کتاب‌های خطی و چاپی و آثار هنری بود و حتی به دیدن آنها علاقه نشان می‌داد. به طور مثال در مدخل علاءالدین تبریزی، میرزا حبیب به نسخه‌ای از مصحف شریف به خط او اشاره می‌کند که «در کتابخانه میرزا محسن خان ۱ موجود و شایسته زیارت است». از سوی دیگر وی به عنوان یک چهره برجسته فرهنگی و ادبی در استانبول آن زمان و کار در دربار و مدارس مختلف، با اهالی فرهنگ و هنر در ایران و عثمانی ارتباطات فراوانی داشته و از رهگذر همین ارتباطات، ارباب فضل و هنر برای او شناخته شده بوده‌اند؛ بنابراین بدیهی است که خطاطان ایرانی معاصر خود را فقط در حد نام می‌شناخته و خطاطان عثمانی معاصرش را اندکی بیش از آن.

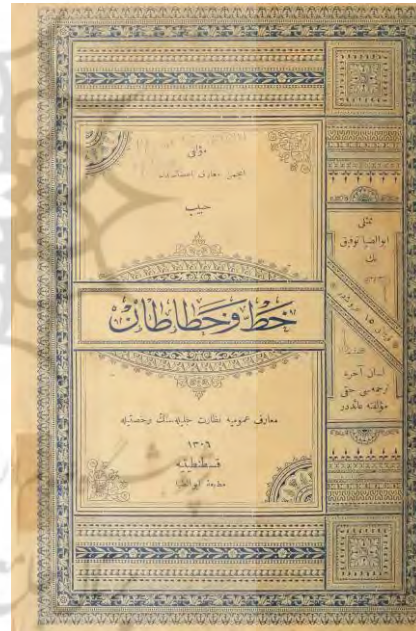
منابع

- السنجاری، محمد بن الحسن (۲۰۰۲)، *بضاعة الموجود في الخط وأصوله*، تحقیق: هلال ناجی، قاهره، الدار الدولية للإستثمارات الثقافية.
- اصفهانى، میرزا حبیب (۱۳۰۵)، *خط و خطاطان*، استانبول، مطبعة ابوالضیاء.
- آفندی، حبیب (۲۰۱۰)، *الخط و الخطاطون*، ترجمه سامیه محمد جمال، قاهره، المركز القومي للترجمة.
- البرت نصری، نادر (۱۳۵۹)، *برداشت و گزیده‌ای از مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمدعلی شیخ، تهران، دانشگاه ملی.
- چاوش اکبری، رحیم (۱۳۶۹)، *تذکره خط و خطاطان: شامل خطاطان، نقاشان، مذهبیان و قاطعان و جلدسازان ایرانی و عثمانی بانضمام کلام الملوک*، تهران، کتابخانه مستوفی.
- برک، سلیمان (۱۳۹۶)، *خوشنویسان استانبول*، ترجمه ثریا منیری و مهدی قربانی، تهران، پیکره.
- ذنون، یوسف (۲۰۱۲)، *شرح قصیده ابن البواب في علم صناعة الكتاب*، دمشق، دارالانوار.
- فضائلی، حبیب (۱۳۹۲)، *اطلس خط: تحقیق در خطوط اسلامی*، تهران، سروش.
- عالی، مصطفی (۱۳۶۹)، *مناقب هنروران*، ترجمه و تحشیه توفیق سبحانی، تهران، سروش.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۷۳)، *رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته*، تهران، روزنه.
- مستقیم‌زاده، سعدالدین سلیمان (۱۹۲۸)، *تحفه خطاطین*، استانبول، دولت مطبعه‌سی.
- میرانصاری، علی (۱۳۹۲)، «حبیب اصفهانی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۲۰، تهران.

- Alparslan, Ali (1996), "Habib Efendi", *TDV İslâm Ansiklopedisi*, XIV, İstanbul.
- Dıġıroġlu, Filiz (2018), *Sultanın Ecebileri: Dersâdet'in Acemleri*, Sultan V. MEHMED REŞAD ve Dönemi, Millî Saraylar Adına Yayınlayan, İstanbul.
- Dıġıroġlu, Filiz (2017), "XIX. Yüzyıl Osmanlı Başkentinde Entelektüel Bir Acem: Mirza Habib İsfehanî ve Terekesi", *Osmanlı Araştırmaları*, İstanbul.
- Kınlı, Süleyman (2017), *Hat ve Hattâtân'da Osmanlı Hattatları*, Yüksek Lisans Tezi, Marmara Üniversitesi, Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü.
- Nefesade, İbrahim (1939), *Gülzar-ı Savab*, Güzel Sanatlar Akademisi Neşriyatı: İstanbul.
- Nuhoġlu, Hidayet Yavuz (2004), "Menâkıb-ı Hünerverân", *TDV İslâm Ansiklopedisi*, XXIX, İstanbul.
- Nuhoġlu, Hidayet Yavuz (2004), "Gülzâr-ı Savâb", *TDV İslâm Ansiklopedisi*, XIV, İstanbul.



تصویر ۲: صفحه شناسنامه کتاب با تاریخ چاپ ۱۳۰۵-
استانبول (مأخذ: آرشیو نگارنده)



تصویر ۱: جلد کتاب خط و خطاطان / چاپ ۱۳۰۵-
استانبول (مأخذ: آرشیو نگارنده)